



سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

رضا سیمبر - استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
دانیال رضاپور^۱ - دانش آموخته دکتری روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده
مسئول)

صدیقه آذین - دانش آموخته کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۷

صص ۴۹-۷۲

چکیده

شورای همکاری خلیج فارس از مهم‌ترین سازمان‌های منطقه‌ای در محیط منطقه‌ای ایران است و سیاست‌های ایران همواره نقش مهمی در جهت‌گیری‌ها و اهداف شورا داشته است. در این مقاله می‌کوشیم با واکاوی سیاست‌های ایران در ۲۰ سال گذشته براساس تحولات خاورمیانه و نظریه امنیت منطقه‌ای به این پرسش پاسخ دهیم که مؤلفه و محور اصلی سیاست ایران پس از دفاع مقدس به‌ویژه در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی در قبال شورای همکاری خلیج فارس چه بوده است؟ نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که در دوره حسن روحانی، بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس محور اصلی تلاش‌های ایران برای بهبود امنیت منطقه خلیج فارس بوده است. با وجود این، تعدادی از موانع ساختاری، نداشتن اعتماد تاریخی و تحرکات ایران در منطقه، روابط تهران با کشورهای شورای همکاری را به شدت خصمانه کرده و سبب افزایش بیشتر ناامنی در منطقه شده است. زیرا نفوذ فزاینده ایران در منطقه عربی همراه با سیاست ضد همون، به این معنی است که ابتکارهای صلح ایران با شورای همکاری با موانع بزرگی روبه‌رو شده و موفقیت ایران در کاهش تنش‌ها و برنامه ترویج طرح‌های صلح با شورای همکاری خلیج فارس نتیجه‌ای نداشته است. در این مقاله با روش تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای این موضوع را بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، امنیت منطقه‌ای، ایران، شورای همکاری خلیج فارس، عربستان.

مقدمه

بی‌تردید منطقه خاورمیانه یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مناطق جهان به‌شمار می‌آید. آنچه این منطقه را در ابعاد و حوزه‌های گوناگون برجسته ساخته، ویژگی‌های منحصر به فرد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن است. امروزه این عوامل در پیوستار باهم و در فضایی دیالکتیکی و اندرکنشی و به‌شکلی نظام‌مند، ساختار منطقه را به‌لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی متحول کرده است تا جایی که در چارچوب ساختار شبکه‌ای نوین این منطقه، می‌توان از انواع گره‌های ژئوپلیتیکی سخن گفت که در این میان مهم‌ترین آن‌ها خلیج فارس است. این گره یا زیست‌بوم منطقه‌ای پس از جنگ جهانی دوم و خروج بریتانیا با تحولات زیادی روبه‌رو شد که مهم‌ترین آن استقلال سیاسی و اقتصادی شیخ‌نشین‌های عربی حوزه خلیج فارس است. این خود به معنای ظهور بازیگران جدید در عرصه نظام منطقه‌ای خلیج فارس است. این شرایط معادلات ساختاری منطقه را تحت تأثیر دیالکتیک اندرکنش مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی و قدرت در ارتباط با دیگر بازیگران منطقه به‌نوعی تحت تأثیر قرارداد که افزایش همکاری‌های این دولت‌ها در این فضای اندرکنشی، سرانجام منجر به شکل‌گیری سازمانی با عنوان شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ در نظام منطقه‌ای خلیج فارس شد (Akbarian and Shokri, 2016: 2).

پس از شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس مسئله‌ای که کمتر از سوی پژوهشگران (البته بیشتر داخلی) مورد توجه قرار گرفت، تقابل امنیتی کشورهای عضو شورا با ایران است. از این منظر، از زمان عقب‌نشینی انگلیس در سال ۱۹۷۱ که منجر به استقلال بحرین، قطر و امارات شد، کشورهای زیرسیستم خاورمیانه یعنی خلیج فارس به‌دلیل بالابودن وابستگی متقابل امنیتی، زیرمجموعه مستقلی تشکیل دادند که در این زیرمجموعه، عربستان سعودی، ایران و عراق سه رکن اصلی خلیج فارس بودند، ولی عراق به‌دلیل اشغال نظامی توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ دیگر به‌عنوان یکی از ستون‌های امنیتی خلیج فارس شناخته نمی‌شود. همچنین در سال‌های گذشته با گسترش شکاف میان ایران و کشورهای عربی، شاهد افزایش نفوذ هژمون (ایالات متحده) به‌ویژه از نظر سیاسی و نظامی بوده‌ایم. با این حال کشورهای خلیج فارس تا حدی در دوران او‌باما استقلال خود را حفظ کردند، عاملی که به‌نوبه خود این امکان را فراهم کرده بود تا ایران از راه دیپلماسی آشتی‌جویانه، همکاری در زمینه سیاسی و امنیتی را به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پیشنهاد دهد. اما تجربه سال‌های منتهی به همکاری شدید کشورهای عربی با آمریکا در دوره دونالد ترامپ نشان‌دهنده تشدید جنگ‌های نیابتی میان ایران و عربستان بوده که بحران‌های زیادی را از یمن، سوریه و لیبی به همراه داشته است.





بر این اساس شورای همکاری خلیج فارس با این خط‌مشی‌ها، معمولاً در طول چند دهه گذشته روابط خصمانه‌ای را در قبال جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار داده است. این مسئله بستر ایجاد تعارض میان دو طرف را در منطقه به دنبال داشته است. در این میان تلاش‌هایی برای بهبود روابط و همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف، میان دو طرف صورت گرفته است، ولی همچنان تعارض‌های دو طرف وجود داشته است در زمینه‌هایی چون مسائل ایدئولوژیک، فرقه‌ای، مذهبی، مسئله جزایر سه‌گانه ایرانی، برنامه هسته‌ای ایران، مسئله امنیت در خلیج فارس، حضور نظامی آمریکا در منطقه و رویکردهایی متعارض میان عربستان سعودی و ایران. به هر ترتیب این تعارض‌ها بستر چالش‌های عمده‌ای را در منطقه، برای کشورهایی چون عراق، یمن و بحرین فراهم آورده است. همچنین این مناقشه‌های چندبعدی شکل‌گیری «ائتلاف چرخ - پره‌ای» علیه ایران، مسابقه تسلیحاتی، گسترش برنامه‌های هسته‌ای و حضور بیش از پیش قدرت‌های خارجی را در منطقه خلیج فارس در پی داشته است و منطقه را به حوزه بی‌ثبات‌تر تبدیل کرده است (Koshki and hoseini, 2015: 2).

اعضای شورا، تحولات خاورمیانه، به‌ویژه ایجاد دولت دموکراتیک و شیعی در عراق و تحولات بیداری اسلامی را به‌منزله تغییر توازن قوا به نفع ایران و افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران تلقی کرده است. به‌ویژه با تبیین امنیت‌محور از تحرکات منطقه‌ای ایران، حیات و بقای خود را در خطر می‌بینند. این موضوع سبب شده است تا آن‌ها با استفاده از همه امکانات و ابزارهای خود به مقابله با افزایش قدرت منطقه‌ای ایران برخیزند. بنابراین در حالی که بسیاری از پژوهشگران روابط بین‌الملل سیاست‌های منطقه‌ای ایران را در چارچوب سیاست‌های واقع‌گرای حاکم بر خاورمیانه و در راستای اصل بقا، بازدارندگی و بی‌اعتمادی به غرب ارزیابی کرده‌اند، با افزایش قدرت منطقه‌ای و پیشرفت‌های هسته‌ای و دفاعی ایران و ناکامی این کشورها در سوریه و یمن، اعضای شورا که به‌شدت از بحران مشروعیت رنج می‌برند، قدرت خود را در تقابل با ایران سازماندهی می‌کنند. در این زمینه ضمن تغییر در برخی ساختارهای داخلی، در سیاست منطقه‌ای نیز بازنگری کرده و با توجه به خوداتکایی در سیاست منطقه‌ای، سیاستی مستقل از آمریکا را در دوره اوپاما در پیش گرفتند (Dehbeh and Moradi, 2015: 4).

با توجه به اقدامات شورای همکاری و قدرت‌های خارجی مداخله‌گر، سیاست ایران در قبال شورای همکاری خلیج فارس بیشتر بر اساس سه ملاحظه انجام می‌شود: اول، امیدوار است دشمنان را به دوستان تبدیل کند، موقعیت منزوی ایران را بهبود بخشد و مشکل امنیتی و ژئوپلیتیکی را در منطقه خلیج فارس حل کند؛ دوم، توسعه روابط تجاری با همسایگان خلیج فارس و ترویج توسعه اقتصادی ایران؛ سوم، همراهی کشورهای شورای همکاری با ایران به‌منظور کاهش نفوذ آمریکا در خلیج فارس و تضعیف دشمنی این کشور با ایران.

با همه اقدامات مثبت ایران، تصور غالبی در رسانه‌های معاند غربی - عربی وجود دارد که ایران



برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس یا حتی نظم موجود در خاورمیانه چالش بزرگی است. از این رو، در این مقاله سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را از منظر تاریخی بررسی می‌کنیم تا روابط با همسایگان شورای همکاری در دوره پس از جنگ ایران و عراق را تبیین کنیم. این پرسش مطرح می‌شود که مؤلفه و محور اصلی سیاست ایران پس از دفاع مقدس به‌ویژه در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی در قبال شورای همکاری خلیج فارس چه بوده است؟ در این پژوهش نشان می‌دهیم که در دوره دولت روحانی، بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس محور اصلی تلاش‌های ایران برای بهبود امنیت منطقه خلیج فارس بوده است. با وجود این، تعدادی از موانع ساختاری، نداشتن اعتماد تاریخی و تحرکات ایران در منطقه، روابط تهران با کشورهای شورای همکاری را به شدت خصمانه کرده و باعث افزایش بیشتر ناامنی در منطقه شده است، زیرا نفوذ فزاینده ایران در منطقه عربی همراه با سیاست ضد هژمون، به این معنی است که ابتکارهای صلح ایران با شورای همکاری با موانع بزرگی روبه‌رو شده و موفقیت ایران در کاهش تنش‌ها و برنامه ترویج طرح‌های صلح با شورای همکاری خلیج فارس نتیجه‌ای نداشته است.

چهارچوب نظری

بری بوزان و آل ویور در کتاب مشترکشان با عنوان «مناطق و قدرت‌ها» که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، مدعی هستند امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود. از سویی، سطح جهانی نیز بسیار کلی است و فهم کافی از امنیت کشورها ندارد. بنابراین آن‌ها سطح منطقه‌ای را سطح تحلیل مناسب معرفی می‌کنند: «امنیت منطقه‌ای هر دو مؤلفه ملی و جهانی را در خود دارد؛ هم وابستگی متقابل امنیتی لحاظ شده است، هم از گستردگی بیش از حد گستره امنیت اجتناب شده است. در سطح منطقه‌ای امنیت جهانی و ملی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و بسیاری از رویدادها هم در آن رخ می‌دهد. ... امنیت واحدهای مجزا و فرایند مداخله قدرت‌های جهانی را تنها از راه درک پویای امنیت منطقه‌ای می‌توان فهمید (Buzan and Waver, 2003: 54). در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، بخش‌های اساسی فرایندهای امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن در خوشه‌های مجموعه‌های منطقه‌ای نمود پیدا می‌کند. بنابراین بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از واحدها که در آن فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هر دوی آن‌ها به اندازه‌ای درهم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل شود» (Sazmand and Jokar, 2016: 5).

از منظر بوزان و ویور، مجموعه امنیت منطقه‌ای «به معنای شبه‌سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌هاست که از لحاظ جغرافیایی به یکدیگر نزدیک هستند» (Buzan and Waver, 2003: 44). در این تعریف، دو نکته مهم و برجسته وجود دارد:



نخست وجود شبکه‌ای از روابط امنیتی میان واحدهای سیاسی و دیگری وجود نزدیکی جغرافیایی میان اعضای مجموعه. نکته مهم‌تر همان‌گونه که اشاره کردیم وجود الگویی از روابط امنیتی میان اعضا است که در واقع زیربنای اصلی شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، سبب تمایز این مجموعه‌ها از دیگر اشکال گروه‌ها و احتمالاً مجموعه‌های اقتصادی، فرهنگی و... می‌شود. یکی از مباحث بسیار مهم مجموعه‌های امنیتی، مبحث تغییر در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای است. معیار ارزیابی تغییرات مهم در هر مجموعه امنیتی، ساختار بنیادین آن است. ساختار بنیادین هر مجموعه امنیتی سه مؤلفه اصلی دارد: ۱. آرایش واحدها و تفاوت آن‌ها؛ ۲. الگوهای دوستی و دشمنی؛ ۳. توزیع قدرت میان واحدهای اصلی. تغییر چشمگیر هر یک از این مؤلفه‌ها در حالت عادی موجب تعریف دوباره مجموعه امنیتی می‌شود. بر این اساس، سه نوع روند تکاملی را در هر مجموعه می‌بینیم: ۱. حفظ وضع موجود؛ ۲. تحول درونی و ۳. تحول بیرونی. بوزان و ویور، با دسته‌بندی مناطق و ساختار بنیادینشان، بحران و کشمکش را مسئله دائمی مجموعه امنیتی خاورمیانه معرفی کرده‌اند. به نظر آن‌ها، ساختار پیچیده خاورمیانه سبب شده است تا این منطقه همیشه در تنش و بحران زندگی کند. خاورمیانه از آن‌رو پیچیده است که کشورهای آن از ناهمگنی‌های پرخشونت در زمینه ویژگی‌های قومی، دینی، ملی و قبیله‌ای رنج می‌برند. علاوه بر این، بیشتر کشورهای خاورمیانه با یکدیگر اختلاف مرزی دارند. این اختلافات به اضافه علایق ملی‌گرایی دولت‌های حاکم بر منطقه که بسیار مقتدر و سرکوبگر هستند؛ خاورمیانه را به صندوق بحران تبدیل کرده است (Buzan and Waver, 2003: 88).

خلیج فارس را هم به‌عنوان زیرسیستم خاورمیانه می‌توان به‌عنوان مجموعه امنیتی منطقه‌ای محسوب کرد، بدین مفهوم که عوامل مختلف، نوعی پیوستگی و وابستگی متقابل امنیتی بین کشورها و بازیگران منطقه ایجاد کرده است و به شکل‌گیری الگوهای دوستی/دشمنی خاص حاکم بر روابط کشورهای واقع در این حوزه جغرافیایی منجر شده است. بنابراین خلیج فارس مجموعه‌ای از کشورهاست که به دلیل وجود ساختار روابط که مبتنی بر الگوهای غالباً دشمنی و حاکم‌شدن پویای امنیتی رقابتی جویانه و تعارضی میان اعضای آن و در نتیجه ایجاد وابستگی متقابل امنیتی، نزدیکی جغرافیایی و مرزهای مشخص و پیوند استوار میان آن و ساختار نظام بین‌الملل، شکل‌دهنده الگوی امنیتی در مجموعه امنیتی خلیج فارس است. به همین دلیل و برای بررسی بهتر الگوی روابط کشورهای واقع در این حوزه جغرافیایی، نیاز است ابتدا زمینه‌های شکل‌گیری الگوهای روابط میان کشورهای شورای همکاری با ایران را در منطقه بررسی کنیم.

سیاست ایران در قبال شورای همکاری خلیج فارس پس از جنگ ایران و عراق

پایان جنگ هشت ساله با عراق فرصتی برای ایران فراهم کرد تا روابط مسالمت‌آمیزی را با همسایگان



خود دنبال کند و از فضای خارجی بهتری برای توسعه اقتصادی استفاده کند. همچنین پایان جنگ فرصتی را برای رئیس‌جمهور، هاشمی رفسنجانی ایجاد کرد تا کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را نه به‌عنوان دشمن بلکه به‌عنوان شرکای تجاری بالقوه و سرمایه‌گذاران ثروتمند ببیند، زیرا به دلیل پیامدهای خسارت‌بار جنگ، هاشمی رفسنجانی می‌خواست با احیای روابط با کشورهای ثروتمند منطقه و توسعه روابط اقتصادی با این کشورها وضعیت نامطلوب کشور را سروسامان دهد. بنابراین اولین نشانه مهم تغییر ایران به سمت سیاست خارجی پراگماتیسمی، بی‌طرفی در طول جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و محکومیت حمله عراق به کویت بوده است.

علاوه بر این، سیاست صدور انقلاب تعدیل شد که با تفسیر سیاست‌های نابه‌جا سبب ایجاد ناآرامی شیعیان در کشورهای عربی خلیج فارس شده بود. سیاست اخیر تأثیر چشمگیری در نرم‌شدن نگرش سعودی‌ها نسبت به ایران در این دوره داشت. در اواخر سال ۱۹۹۱، روابط دیپلماتیک عربستان و ایران با سفر تاریخی سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی دوباره احیا شد. به طوری که سعود الفیصل پس از سفر به تهران معتقد بود که دو کشور می‌توانند «آینده‌ای از روابط مثبت» را در این روابط مشاهده کنند (Wehrey et al, 2009: 17). با این حال، با وجود روابط دوستانه ایران و عربستان، همچنان روابط آمریکا و ایران تنش‌زا بود. این مشکلات تا حدودی ناشی از سیاست «مهار دوگانه» کلینتون در قبال ایران و عراق بود که محدودیت‌هایی را برای توسعه بیشتر روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس ایجاد کرده بود.

پس از آنکه رئیس‌جمهور، محمد خاتمی با شعار گفت‌وگوی تمدن‌ها در سال ۱۹۹۷ به ریاست‌جمهوری ایران رسید، امید به بهبود روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس، ایالات متحده و کشورهای دیگر جهان به نقطه اوج خود رسید. ابتکار گفت‌وگو پاسخ‌های مثبتی را از سوی عربستان سعودی و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج دریافت کرد. در سپتامبر ۱۹۹۷، ایران و عربستان سعودی ارتباط از مسیرهای هوایی را از سر گرفتند. در دسامبر همان سال، ایران میزبان سازمان همکاری اسلامی شد. به دعوت ایران، شاهزاده عبدالله ولیعهد عربستان، گروهی را برای نشست OIC در تهران همراهی کرد. شاهزاده عبدالله، اولویت سازمان همکاری اسلامی را حل مشکلات جامعه اسلامی و ترویج وحدت بیان کرد (Cordesman, 2003: 46).

همکاری میان دو کشور در سال ۱۹۹۸ به اوج خود رسید. در فوریه ۱۹۹۸ رئیس‌جمهور، هاشمی رفسنجانی به مدت ۱۰ روز به عربستان سعودی رفت تا روابط دو کشور را بهبود بخشد. پادشاه فهد و هاشمی رفسنجانی در ریاض برای گفت‌وگو در مورد روابط منطقه‌ای و دوجانبه و مشکل کاهش قیمت نفت در ریاض دیدار کردند. در نیمه اول سال ۱۹۹۹، وزیر امور خارجه و وزیر دفاع عربستان سعودی به طور پیاپی به ایران آمدند. دو کشور حتی شروع به گفت‌وگو درباره ایجاد سیستم امنیتی مشترک کردند. در سال ۱۹۹۹، رئیس‌جمهور ایران، محمد خاتمی در سفری تاریخی به جده



رفت. پس از آن در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ در مورد تروریسم، پول‌شویی، قاچاق مواد مخدر و مهاجرت غیرقانونی، توافق‌های منطقه‌ای و امنیتی انجام شد (Altorai, 2012: 43). در طول جنگ افغانستان در سال ۲۰۰۱، ایران و عربستان سعودی همکاری خود را در نبرد مشترک با القاعده حفظ کردند و عملیات نظامی ایالات متحده را در افغانستان تسهیل کردند.

روابط دوستانه میان ایران و عربستان سعودی پس از سال ۲۰۰۲ به پایان رسید. یکی از دلایل آن، آشکار شدن تأسیسات هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۲ بود که منجر به وقوع بحران هسته‌ای ایران شد. عربستان سعودی بر این باور بود که به محض داشتن سلاح هسته‌ای، ایران دیگر از تهدیدهای خارجی نمی‌ترسد و در بازی قدرت مقابل عربستان سعودی پیروز خواهد شد. دلیل دیگر، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بود که رژیم صدام حسین را سرنگون کرد. پس از سرنگونی، عراق به کشوری چندپاره و فرقه‌ای تبدیل شد که اکثریت شیعه در آن قدرت را در اختیار گرفتند. ایران فرصت یافت خلأ قدرت شکل گرفته در عراق را پر کند؛ در حالی که نفوذ سعودی‌ها در عراق کاهش یافت. این عوامل نه تنها روابط مثبت ایجاد شده را به طور کامل از میان برد، بلکه سبب افزایش بی‌اعتمادی میان عربستان سعودی و تشدید رقابت‌های منطقه‌ای شد.

سیاست‌های دولت محمود احمدی‌نژاد، نشان‌دهنده بازگشت سیاست خارجی ایران از عمل‌گرایی به ایدئولوژی انقلابی بود، اما سیاست او در قبال شورای همکاری خلیج فارس عمل‌گرایانه بود. در حقیقت، پیش از انتخابات، اجماعی در میان تحلیلگران منطقه پدید آمده بود که سیاست خارجی ایران از جهت‌گیری آن‌ها نسبت به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به دور از سیاست انقلابی و به طور کامل برگرفته از سیاست قدرت و حفظ منافع ملی در منطقه است. دولت ایران با شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه با چند کشور شورا روابط سازنده و پیشرفته‌ای را شروع کرده بود.

همچنین پس از سال ۲۰۰۰، سیاست خارجی برخی از کشورهای عضو شورای همکاری مستقل تر شد. قطر یک نمونه واضح است. به‌صورتی که این کشور ترجیح داد ایران را به‌عنوان یک همسایه و نه یک دشمن ببیند. در سال ۲۰۰۶، قطر به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که ملزم به توقف غنی‌سازی اورانیوم بود، اعتراض کرد. قطر همچنین تنها کشوری بود که در شورای امنیت سازمان ملل علیه تحریم‌های ایران رأی ممتنع داد. این کشور در ۳ دسامبر ۲۰۰۷، احمدی‌نژاد را به نشست شورای همکاری خلیج فارس در قطر دعوت کرد. او در این نشست شرکت کرد و خواستار ایجاد سیستم امنیتی مستقل در خلیج فارس شد (Molavi, 2010: 61). پس از اجلاس، به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور ایران محمود احمدی‌نژاد از بحرین بازدید کرد. احمدی‌نژاد با بحرین برای تأمین گاز طبیعی توافق کرد و این گامی در جهت تغییر نگرش خصمانه بحرین نسبت به ایران بود. عمان نیز نقش میانجیگری را میان اعضا و ایران ایفا می‌کرد. به‌طوری که در سال ۲۰۰۹، سلطان قابوس به ایران آمد و راه را باز کرد برای اینکه کشورش به‌عنوان واسطه میان ایالات متحده و ایران در مذاکرات بعدی هسته‌ای فعالیت کند.



دولت احمدی‌نژاد خواستار ایجاد یک رژیم امنیت جمعی مستقل در خلیج فارس بود. در این زمینه ایران با قطر پیمان امنیتی امضا کرد تا قاچاق، جرائم مواد مخدر و پولشویی را سرکوب کند. همچنین گزارش شد که ایران با سوریه، کویت، عربستان سعودی و ترکیه به توافق‌های مشابهی رسیده است (Kamrava, 2017: 176). اگرچه ایران با این کشورها توافق‌های دوجانبه و نه چندجانبه امضا کرد، مشخص بود که روابط ایران با کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه شورای همکاری خلیج فارس بسیار ضعیف است و تلاش در ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد متقابل بازخورد منفی داشته است.

روابط سازنده ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در این چند سال نتیجه چندانی به بار نیاورد. زیرا در سطح منطقه‌ای، بنا بر نظر کشورهای شورا تلاش‌های ایران برای بهبود روابط با این کشورها با سیاست خارجی مداخله‌گرایانه منطقه‌ای تهران مغایرت دارد. پس از سال ۲۰۰۳، بیشتر به دلیل حضور ایران در عراق، دیدگاه ژئوپلیتیکی موسوم به «لال شیعیه» ترسیم شد و این دیدگاه باعث ایجاد احساس ناامنی در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس شد. بیشتر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اجتماعات شیعه دارند. همین مسئله سبب ناراحتی آن‌ها در مورد جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ایران شده است. همچنین از زمان وقوع بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱، جمهوری اسلامی ایران به شدت درگیر جنگ داخلی سوریه شده و به دخالت در قیام شیعیان در بحرین و بحران یمن متهم شده است. در سطح جهانی، ایران از سال ۲۰۰۲ نیز تحت تحریم‌های شدید بین‌المللی و یک‌جانبه ایالات متحده قرار گرفته است، زیرا جامعه بین‌الملل و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از ایران برخوردار از سلاح هسته‌ای وحشت داشتند و راضی بودند که این کشور را جامعه بین‌المللی منزوی کرده است. این عوامل نامطلوب سبب شده بود که سیاست همکاری ایران در قبال کشورهای شورا تا حد زیادی ناموفق باشد.

سیاست ایران در قبال شورای همکاری خلیج فارس در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی

حسن روحانی مشهور به «شیخ دیپلماتیک» با رویکرد اعتدال و عمل‌گرایی خود بعد از انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور، به دنبال پایان دادن به انزوای بین‌المللی ایران با جست‌وجوی راه‌حلی برای مسئله هسته‌ای ایران بود تا از درگیری غیرمنطقی و غیرضروری در منطقه جلوگیری کند. بنابراین پس از مذاکرات طولانی و دشوار با قدرت‌های جهانی، سرانجام ایران به توافق‌نامه‌ای مبنی بر اجرای برنامه جامع اقدام مشترک در ژوئیه ۲۰۱۵ رسید که از ژانویه ۲۰۱۶ اجرا می‌شد. همچنین در نیمه اول سال ۲۰۱۴، محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران مقاله‌ای را در مجله امور خارجه نوشت که به‌طور جامع سیاست دیپلماتیک دولت روحانی را برای دستیابی به تعاملات چندجانبه، امنیت و همکاری ترسیم کرده بود. «جمهوری اسلامی می‌تواند به‌طور فعال در احیای صلح، امنیت



و ثبات منطقه‌ای نقش داشته باشد و در مرحله گذار کنونی در روابط بین‌الملل نقش تسهیلگر ایفا کند. داشتن روابط سازنده و اعتمادساز به‌ویژه با همسایگان نزدیک، سنگ بنای سیاست منطقه‌ای ایران خواهد بود» (Zarif, 2014: 10). پس از این سخنان، امنیت منطقه‌ای به‌عنوان یکی از اصول مهم در سیاست خارجی دولت روحانی مطرح شد و بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان اولویت اول منطقه‌ای نهادینه شد. در همین حال، اختلافات در داخل شورا به حسن روحانی امکان ادامه روابط هدفمند با برخی کشورهای کوچک خلیج فارس را داد. به‌طور کلی شش دولت عضو شورا در قبال نگرش خود نسبت به ایران به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. کشورهای دوست: عمان و قطر؛ ۲. کشورهای بی‌طرف: کویت؛ ۳. کشورهای دشمن: عربستان سعودی، بحرین و امارات. در ادامه روابط دولت روحانی با این کشورها را بررسی می‌کنیم.

تلاش برای بهبود روابط با عربستان سعودی

روحانی به‌خوبی می‌دانست ناتوانی در بهبود روابط با عربستان سعودی به‌طور کلی به معنای موفق‌نبودن ایران در دستیابی به روابط سازنده با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. از این رو، دولت روحانی برای ایجاد اعتماد متقابل تلاش کرد با همه همسایگان خود، از جمله کشورهای عربی و به‌ویژه عربستان سعودی برقراری «روابط دوستانه» را دنبال کند. روحانی همچنین یک ابتکار امنیتی جمعی را در منطقه خلیج فارس پیشنهاد کرد؛ هرچند که این ابتکار جواب منفی سعودی‌ها را در پی داشت. در راستای اعتمادسازی متقابل، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در دسامبر ۲۰۱۳ از کویت، عمان و قطر دیدار کرد. ظریف در دوحه ابراز تمایل کرد که ایران با عربستان سعودی برای ثبات منطقه همکاری کند و گفت که توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی به هیچ وجه تهدیدی برای کشورهای حوزه خلیج فارس نخواهد بود. «ما معتقدیم که ایران و عربستان سعودی باید با هم همکاری کنند تا صلح و ثبات در منطقه تقویت شود» (Zarif, 3 December 2013). به‌نظر می‌رسید که در ابتدا حداقل سعودی‌ها نیز مایل به مذاکره با ایران در مورد موضوعات متقابل بودند. در اوت ۲۰۱۴ حسین امیرعبداللہیان، معاون وزیر امور خارجه ایران با شاهزاده سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی در جدّه گفت‌وگو کرد. این نخستین سفر سطح بالای دولت ایران به عربستان از زمان ریاست جمهوری روحانی بود. آن‌ها در مورد مبارزه با «دولت اسلامی عراق و سوریه» (داعش) که هر دو کشور با آن مخالف بودند، گفت‌وگو کردند (VOA News, 26 August 2014).

با وجود این تلاش‌های اولیه، روابط ایران و عربستان سعودی پیشرفتی نداشت و در حقیقت پس از سال ۲۰۱۵ حتی رو به وخامت گذاشت. نکته اصلی نگرانی عربستان سعودی از چشم‌انداز توافق هسته‌ای دور از انتظار ایران با قدرت‌های جهانی بود. در همین زمان، روابط دو کشور با



نبردهای نیابتی در منطقه وخیم‌تر شد و اختلاف نظرها در اوپک بر سر تولید ناشی از افت قیمت نفت، شرایط را پیچیده‌تر کرد. از سوی دیگر، با شهیدشدن بیش از ۴۰۰ زائر ایرانی در زمان مراسم حج در مکه، ایران به شدت توانایی دولت سعودی و همچنین مدیریت آن‌ها را به‌عنوان سرپرست و میزبان این دو مکان مقدس زیر سؤال برد. در اواخر دسامبر ۲۰۱۵، عربستان سعودی از تشکیل ائتلاف ضد تروریسم اسلامی خبر داد که شامل ۳۴ کشور مسلمان بدون ایران بود. علاوه بر جنگ با داعش، هدف اصلی ائتلاف، مبارزه با تروریسم شیعه به رهبری ایران بود. بدترشدن اوضاع میان دو کشور با اعدام شیخ نمر، روحانی شیعه به مرحله بحرانی رسید؛ سعودی‌ها شیخ نمر را به‌عنوان «تروریست» معرفی کردند و معتقد بودند که او ضمن اقدامات تروریستی از سال ۲۰۱۱، رهبری جنبش ضددولتی شیعه در استان‌های شرقی عربستان سعودی را برعهده داشته است. پس از اعدام شیخ نمر، تظاهرکنندگان ایرانی با حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران، سبب قطع روابط دیپلماتیک با ایران شدند. بحرین هم این اقدام را انجام داد.

با وجود اتفاقات صورت‌گرفته، ایران و عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ برخی همکاری‌ها را با وجود قطع روابط دیپلماتیک ادامه دادند. در نوامبر و به‌دنبال توافق هسته‌ای، ایران با کشورهای صادرکننده نفت در اوپک از جمله عربستان سعودی توافق کردند، ایران مجاز به افزایش تولید باشد؛ در حالی که دیگر اعضا تولید خود را به درجات مختلف باید کاهش دهند. عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ از مقامات ایرانی دعوت کرد تا در مورد از سرگیری زیارت حج صحبت کنند. ایران موافقت کرد از سال ۲۰۱۷ زیارت مکه مکرمه را از سر بگیرد. با این حال، پس از ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی با شدت‌گرفتن جنگ‌های نیابتی با ایران تهاجمی‌تر شد. برای نمونه، بحران قطر در ژوئن ۲۰۱۷ و محاصره تحمیل‌شده از سوی چهار کشور عربستان سعودی، امارات، بحرین و مصر، بیش از همه شامل نارضایتی عربستان سعودی از ادامه روابط قطر با ایران بود. روابط خصمانه عربستان سعودی با ایران با به قدرت رسیدن شاهزاده بن سلمان در عربستان سعودی به بالاترین حد خود رسید. حملات مخرب و غیرمنتظره پهپادها به تأسیسات نفتی آرامکو در Abqaiq و Khuraisnon در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ این درگیری‌ها را به مرحله جدیدی هدایت کرد. به طوری که سعودی‌ها ایران را متهم به طراحی این حمله کردند تا نیمی از تولید نفت آن‌ها را مختل کند (The Guardian, 2019: 3). با توجه به اتفاقات رخ داده در این چند سال، می‌توانیم بگوییم اهداف روحانی برای بهبود روابط با سعودی‌ها با شکست کامل مواجه شد.

تلاش برای بهبود روابط با کشورهای کوچک شورای همکاری خلیج فارس

در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، سه کشور به‌طور کلی با ایران دوست هستند. در عمان، سلطان قابوس هیچ تناقضی بین اتحاد عمان با ایالات متحده و دوستی با ایران نمی‌دید. عمان



که بیشتر از هژمونی عربستان سعودی در منطقه ناراضی است، برای مدیریت مشترک تنگه هرمز و توسعه اقتصادی به همراهی ایران نیازمند است. پس از بهار عربی، مخالفت قطر با بشار اسد در سوریه و حمایت آن از سرکوب نظامی عربستان سعودی بر جمعیت شیعیان بحرین منجر به بیگانگی با ایران شد (Kamrava, 2017: 106). اما رویکرد قطر به ایران به طور چشمگیری متفاوت از رویکرد عربستان سعودی است و بحث در مورد روابط نزدیک تر و صمیمانه تر با تهران است.

به دلیل مشکلات شیعیان، کویت مدت‌هاست که نگران گسترش ایران در عراق است. این کشور بارها ایران را به ایجاد ناآرامی شیعیان در این کشور متهم کرده است. با این حال، نگرش کویت نسبت به ایران نیز خصمانه نیست و هر دو کشور روابط عادی دیپلماتیک را با یکدیگر حفظ کرده‌اند. به طور گسترده‌تری عمان، کویت، قطر و امارات متحده عربی علاقه‌مند به طرح صلح روحانی بودند. عمان همچنین اولین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس بود که روحانی از آنجا دیدار کرد. روحانی در مارس ۲۰۱۴ به عمان و کویت سفر کرد که اولین سفر وی به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج از زمان تصدی پست ریاست جمهوری بود. در اژوئن ۲۰۱۴، امیر کویت به دعوت رئیس‌جمهور ایران به تهران سفر کرد. او در جریان این بازدید با رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای دیدار کرد و گفت کویت آماده است دور جدیدی را در روابط دو کشور شروع کند (Alsalloumand And Tayie, 2018: 102-11).

قطر و تهران در سال ۲۰۱۴ برای همکاری بیشتر در زمینه تجارت دوجانبه توافق‌هایی کردند و از برنامه‌ریزی ایجاد سه منطقه آزاد تجاری در بندر بوشهر و بندر دوحه و الرویس خبر دادند. وزیر خارجه قطر، خالد بن محمد العطیه پس از امضای برجام گفت: «این بهترین گزینه در میان گزینه‌های دیگر برای یافتن راه‌حل به‌وسیله گفت‌گو بود. ... اطمینان داریم که همه تلاش‌هایی که شده است به منطقه‌ای امن و پایدار کمک خواهد کرد» (The Washington Post, 3 August 2015).

امارات متحده عربی در رقابت‌های منطقه‌ای مانند سوریه، بحرین و یمن از عربستان سعودی پیروی کرده است و با ایران اختلافات سرزمینی دارد، اما در آغاز نیز به طرح صلح روحانی پاسخ مثبت داد. امارات متحده عربی فکر می‌کرد که این طرح ممکن است زمان مناسبی برای مذاکره با ایران بر سر مالکیت سه جزیره باشد. در ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳، عبدالله بن زید النحیان، وزیر خارجه امارات متحده عربی به تهران سفر کرد و توافق‌نامه‌ای از ایران برای آغاز گفت‌وگوهای دوجانبه درباره وضعیت جزیره ابوموسی به دست آورد. همچنین در ۴ دسامبر ۲۰۱۳، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران به امارات متحده عربی سفر کرد و از رهبر امارات متحده عربی برای بازدید از ایران دعوت کرد. با این حال، نه تنها رئیس دولت امارات متحده عربی به ایران نیامد بلکه به علت نبود اعتماد دوجانبه عمیق، تاکنون پیشرفت چشمگیری در روابط این دو کشور به وجود نیامده است. در حقیقت، پیش از انتخاب ترامپ در سال ۲۰۱۶، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و ایران از



احتمال آغاز گفت‌وگو در مورد امنیت خلیج فارس به توافقی‌هایی رسیده بودند. به‌شکلی که وزیر امور خارجه ایران بارها بر لزوم چنین گفت‌وگوهایی تأکید کرده بود. همچنین ظریف اعلام کرد که تعامل سازنده ایران با کشورهای همسایه بسیار فراتر از مذاکرات هسته‌ای برای ایران اولویت دارد (The New York Times, 20 April 2015).

پس از آنکه عربستان سعودی روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد، دولت روحانی به‌جای تمرکز بر بهبود روابط با همه کشورهای شورا، همکاری سازنده دوجانبه با کشورهای همسایه را آغاز کرد. عمان و قطر همچنان روابط دوستانه با ایران را حفظ کردند و امارات متحده عربی در مورد قطع روابط دیپلماتیک عربستان و ایران موضع بی‌طرفانه‌ای گرفت. دبی همچنان شریک اصلی تجارت ایران باقی مانده است و تجارت بین امارات و ایران در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ افزایش یافت، زیرا توسعه اقتصادی ایران پس از برداشته‌شدن تحریم‌ها سبب افزایش واردات شد (IMF, 2018). روحانی همچنین به‌دنبال مقابله با عربستان سعودی با میانجیگری کشورهای کوچک‌تر خلیج فارس بوده است. در ژانویه ۲۰۱۷، روحانی گفت: «کشورهایی از جمله کویت پیشنهاد داده‌اند که در نزاع و تشدید میان ایران شیعه و عربستان سعودی سنی میانجیگری کنند» (Reuters, 25 January 2017). بعد از این اعلام، وزیر امور خارجه کویت برای آمادگی «آغاز گفت‌وگو» میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و ایران به تهران سفر کرد. این دیدار روحانی را ترغیب کرد تا دوباره تلاش کند روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را بهبود بخشد.

روحانی به امید تقویت همکاری‌های اقتصادی و امنیتی در ۱۵ فوریه ۲۰۱۷ از عمان و کویت دیدار کرد. دیدار روحانی ضمن بهبود روابط با عمان و کویت، برای دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی مناسب نبود. همچنین پس از محاصره قطر در ژوئن ۲۰۱۷، روابط ایران با قطر نزدیک‌تر شد، اما روابط با عربستان سعودی، بحرین و امارات رو به سردی گذاشت. تلاش‌های دولت روحانی برای بهبود روابط با همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ناکام مانده بود. تحولات اخیر خلیج فارس منجر به ناامنی تانکرهای نفتی و حمله غیرمنتظره و بی‌پروا به کارخانه نفت سعودی در شرق این کشور شد. حوثی‌های یمن گفتند این حمله‌ها را آن‌ها انجام داده‌اند و به‌صورت کاملی از سوی ایران رد شده است، اما شکاف دیپلماتیک میان ریاض و تهران را بیشتر کرده است (Al Jazeera, 27 September 2019).

افزایش قدرت ایران و تشدید بی‌اعتمادی به شورای همکاری خلیج فارس

به دور از بهبود دوره‌ای روابط با بعضی از کشورهای شورا، در دولت روحانی شاهد افزایش بی‌اعتمادی متقابل میان ایران و بیشتر کشورهای عربی هستیم. به‌طوری که بی‌اعتمادی دیرینه و عمیق میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نتوانست بر ادراک تصمیم‌گیران این کشورها برای تحقق



روابط سازنده تأثیر مثبتی بگذارد. همچنین کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مدعی نام «خلیج عربی» هستند، اما نه تنها در همه نقشه‌های جهان، بلکه ایران با اکثریت پارس این دریا را به‌عنوان بخش دیگری از هویت مردم خود در طول تاریخ به تصویر کشیده است. در همان حال، به‌نظر می‌رسد ایران سیاست توسعه منطقه‌ای را در جهان عرب دنبال می‌کند: «هویت ایران که خود را رهبر جنبش ضدهژمونیک در جهان اسلام می‌داند، متغیر مهمی در تحلیل رفتار سیاست خارجی این کشور در منطقه خلیج فارس است» (Parsi and Rydqvist, 2011: 54).

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و پیامدهای منطقه‌ای آن

بعد از توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵، عربستان سعودی و متحدان این کشور در شورا این توافق را تهدیدی بزرگ تلقی کردند که به‌طور بالقوه ایران را به یک سیاست تهاجمی در منطقه ترغیب خواهد کرد (Kaya and Artepe, 2015: 7). به همین دلیل، از زمانی که ترامپ یک‌جانبه از توافق هسته‌ای ایران در ۸ مه ۲۰۱۸ خارج شد، سعودی‌ها و متحدان آن‌ها (امارات متحده عربی و بحرین) این اقدام را فرصتی تعیین‌کننده برای بررسی و جلوگیری از نفوذ روزافزون و گسترش راهبردی ایران می‌دانستند. همچنین این تحولات همگرایی نادری از علاقه به اسرائیل میان کشورهای شورا ایجاد کرد که به‌طور مداوم و با صدای بلند مخالف سیاست تعامل رئیس‌جمهور او با ما با ایران بودند. همچنین آنچه عربستان و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج را نگران کرد، در اصل افزایش سریع قدرت ایران بود. پس از برداشته شدن تحریم‌ها، وضعیت بین‌المللی ایران بهبود یافت و در امتداد آن با رشد اقتصادی، رکود چند ساله کشور به پایان رسید و با توجه به پیش‌بینی‌های لحاظ‌شده از مزایای توافق هسته‌ای، اقتصاد ایران در مسیر مثبتی قرار گرفت و این موضوع باعث شد که تورم مهار و پول ملی ارزش واقعی خود را بازیابد. براساس داده‌های بانک مرکزی، نرخ تورم از ۳۴٫۷ درصد در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به ۹ درصد در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ رسید. این کاهش نرخ تورم برای اولین بار از زمان انقلاب اسلامی اتفاق افتاده بود. همچنین اقتصاد ایران از رکود خارج شده و به رشد ۱۲٫۵ درصد رسیده بود.

به موازات گسترش آمارهای اقتصادی، دولت به‌سرعت بهبود روابط با قدرت‌های بزرگ جهان به استثنای ایالات متحده را در اولویت قرار داد. همچنین در پی توافق برجام، علاقه زیادی به توسعه روابط اقتصادی با ایران به وجود آمد. در آگوست ۲۰۱۵، ایران و ایتالیا توافق‌نامه‌ای را برای از سرگیری تجارت در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی امضا کردند. پس از آن هیئت‌های وزیران عالی و تجاری از اسپانیا، استرالیا، انگلیس، فرانسه، آلمان، نیوزلند و کشورهای دیگر برای کشف فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری به ایران سفر کردند. ابرغول‌های نفت و گاز همچون توتال، لاکوویل، روزنفت، انی، سینوپک، استاتویل، پتروبراس، رویال هلندی شل و بریتیش پترولیوم نیز



در جست‌وجوی فرصت‌های همکاری در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ از ایران بازدید کردند. در ژانویه ۲۰۱۶، روحانی از ایتالیا و فرانسه دیدار و چندین قرارداد عظیم را امضا کرد.

علاوه بر اروپاییان، کشورهای آسیایی و آفریقایی مانند چین، هند، کره جنوبی و آفریقای جنوبی نیز به‌صورت جدی در حال بررسی بازار ایران بودند. بنابراین دیپلماسی چندجانبه روحانی برای بهبود جایگاه بین‌المللی و رفع انزوای جهانی، در حال نتیجه دادن بود. حضور دوباره ایران در جامعه بین‌المللی نه تنها سبب رونق اقتصاد داخلی شده بود، بلکه راه را برای نهادینه کردن ثبات منطقه‌ای باز کرد. با وجود این، عربستان سعودی و متحدانش نظر دیگری را در پیش گرفتند، زیرا از منظر این کشورها اگرچه تهدیدات احتمالی هسته‌ای ایران کاهش یافت، لغو تحریم‌ها می‌توانست دست تهران را در سطح منطقه باز بگذارد و عربستان سعودی را در وضعیت نامطلوب‌تری در منطقه خلیج فارس قرار دهد. در همین زمینه آژانس مطبوعاتی عربستان سعودی خواهان ایجاد توافق جدید کشورهای بزرگ با ایران شده بود؛ زیرا سعودی‌ها معتقدند که در صورت عدم توافق جدید با ایران هیچ وقت شاهد خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های کشتار جمعی از جمله سلاح‌های هسته‌ای نخواهیم بود (Reuters, 6 April 2015). در حقیقت، سعودی‌ها از توافق هسته‌ای بسیار ناراضی بودند. شاهزاده بندر بن سلطان، سفیر پیشین عربستان در واشنگتن و یکی از چهره‌های تأثیرگذار ایران‌ستیز، با بیان اینکه توافق هسته‌ای در منطقه خاورمیانه، منطقه‌ای که پیشتر مشغول درگیری‌های بزرگ بود، آتش جنگ را دوباره احیا می‌کند، خواهان توافق جدید با ایران بوده است (Al Arabia, 14 July 2015).

عربستان سعودی، بحرین و امارات متحده عربی، «قدرت‌یابی دائمی ایران» را به «کابوس» تعبیر می‌کنند و معتقدند که مکانیسم امنیت جمعی منطقه‌ای که روحانی از آن حمایت می‌کند به‌عنوان برنامه‌ای جامع برای هژمونی منطقه‌ای ایران قابل درک است و هرگونه روابط برابر با کشورهای شورای همکاری خلیج را خنثی خواهد کرد. در مقابل، مهار افزایش پایداری ایران در آنچه که «هلال شیعه» توصیف شده است، به هدف اصلی این کشورها تبدیل شده است. اما آنچه که به‌شکل گسترده و رایج به‌عنوان کشمکش تاریخی و مذهبی ریشه‌دار شناخته می‌شود در واقع حرکتی سیاسی و راهبردی برای هژمونی منطقه‌ای با عنوان بازی قدرت در منطقه است.

فعالیت‌های ایران در جهان عرب

به موازات دست‌یابی به روابط بهتر با شورای همکاری خلیج فارس، سیاست انبساطی دولت روحانی برای تحکیم حضور منطقه‌ای و مقابله با انزوای بین‌المللی پیگیری شد. چنین سیاستی هیچ‌گاه آشکارتر از مداخله در بحران سوریه نبوده است، جایی که ایران از سال ۲۰۱۱، زمانی که قیام علیه دولت قانونی بشار اسد آغاز شد، هزینه عظیمی از نظر مالی و نظامی در این کشور سرمایه‌گذاری



کرده است. به این دلیل، راهبردی که ایران سقوط سوریه را ضرر بزرگ راهبردی با پیامدهای منفی برای متحدان خود مانند حزب الله در لبنان می‌داند. با وجود مشکلات اقتصادی در دوران تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده و اتحادیه اروپا (۲۰۱۰-۲۰۱۵) براساس منابع اطلاعاتی غربی، پیش‌بینی می‌شود که تهران در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ حدود ۱۵ تا ۱۹ میلیارد دلار برای حمایت مستقیم و جلوگیری از فروپاشی دولت قانونی سوریه هزینه کرده است (Juneau, 2018: 6).

برای حفظ کشور سوریه و مبارزه با تروریست‌ها، ایران علاوه بر همراهی حزب الله لبنان، شبه نظامیان شیعه از عراق، پاکستان و افغانستان را برای فرستادن مستقیم به سوریه در اختیار گرفت. در سپتامبر ۲۰۱۵، روسیه نیروهای مستقیمی را برای پشتیبانی از نیروهای دولت اسد فرستاد و میدان جنگ را به نفع مردم سوریه تغییر داد. دولت روحانی هم با تقویت هرچه بیشتر حمایت خود از بشار اسد، از این موقعیت استفاده کرد. از ژانویه ۲۰۱۷، روسیه، ایران و ترکیه بر روند مذاکرات صلح آستانه بین دولت سوریه و مخالفان نظارت داشتند و بیشتر تأکید ایران در مورد مسئله سوریه حمایت از دولت قانونی بشار اسد بوده است. حفظ دولت سوریه به ایران اجازه می‌دهد تا نفوذ خود را از عراق به سوریه، لبنان و فلسطین گسترش دهد که این مسئله باعث نگرانی در کشورهای خلیج فارس و اضطراب دائمی در مورد موفقیت «هلال شیعه» در خاورمیانه است.

یمن نسبت به سوریه برای سعودی‌ها چالش برانگیزتر است. با وجود هزینه‌های سنگین و بمباران بی‌رحمانه، این رویکرد برای سعودی‌ها موفقیتی در پی نداشته است. در مارس ۲۰۱۵، ائتلاف ۱۰ کشور عربی به رهبری عربستان سعودی و امارات، نیروهایی را به یمن فرستاد تا علیه نیروهای شیعه حوثی بجنگند. ایالات متحده نیز مشاوره و راهنمایی‌های لجستیکی می‌فرستاد (New York Times, 25 March 2015). اما ائتلاف مسلح به رهبری سعودی موفقیت اندکی در زمین‌های ناهموار یمن داشته است. از سال ۲۰۱۵، سعودی‌ها شروع به محکوم کردن ایران به علت حمایت از حوثی‌ها کردند و تأکید می‌کنند که این دلیل اصلی بیرونی برای شکست نخوردن حوثی‌ها است (Juneau, 2016: 647-663). ایالات متحده و غرب نیز اعتقاد دارند که حوثی‌ها از سوی ایران حمایت می‌شوند، چنانکه جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۵ گفت: «آشکارا لوازم مورد نیاز حوثی‌ها از راه ایران وارد می‌شود، زیرا هر هفته تعداد پروازهای مستقیم میان تهران و صنعا وجود دارد که میانگین این پروازها اخیراً به شدت افزایش پیدا کرده است» (New York Times, 9 April 2015). با این حال، شواهد در حمایت از چنین ادعاهایی اگر نادرست هم نباشد، اثبات‌کردن آن بسیار سخت است. برای نمونه، الیزابت کندال، این شبهات را در تحلیل انتقادی مفصلی بیان کرد. او معتقد بود بسته‌های مشکوک از سوی ایران در یمن دیده می‌شود، اما میزان حمایت لجستیکی از حوثی‌ها به بررسی دقیق‌تری نیازمند است (Kendall, 2017). این دیدگاه تصدیق می‌کند که یمن در واقع جایگاه راهبردی یا اساسی برای



ایران ندارد. بنابراین برخی از ناظران بر این باورند که حمایت ایران از حوثی‌ها حاشیه‌ای است و به اندازه سوریه اتحاد ملی و پویایی تصمیم‌گیری نظام آن‌ها را شکل نمی‌دهد. با وجود این، درگیری یمن همچنان به تنش‌زا کردن روابط پرتنش ایران و عربستان سعودی، به‌ویژه با توجه به افزایش حملات مستقیم هواپیماهای بدون سرنشین به اهداف سعودی ادامه‌دار است. آن‌ها به ناچار ایران را به ارائه پشتیبانی لجستیکی و مادی و همچنین آموزش و فناوری برای چنین حملاتی متهم می‌کنند تا از شدت انتقادات داخلی و بین‌المللی در امان باشند. در همین حال، منازعه نیابتی بین عربستان سعودی و ایران در لبنان نیز شدت گرفته است.

نخست‌وزیر لبنان، سعد الحریری در نوامبر ۲۰۱۷ در سفر به عربستان سعودی ناگهان استعفا داد که ایران آن را تلاش از پیش تعیین‌شده ولیعهد جدید بن سلمان برای تضعیف حزب‌الله در لبنان تلقی کرد. دولت مردان ایرانی معتقد بودند که استعفای ناگهانی نخست‌وزیر لبنان سعد الحریری، بخشی از طرح افزایش تنش در منطقه است. در همین زمان، درگیری‌های بین دو کشور در مناطق دیگری مانند عراق و فلسطین زیاد شده است (Hen, 2019: 13). به‌طور کلی، پس از امضای برجام، سعودی‌ها از مداخله روزافزون ایران در حوزه‌های سنتی نفوذ خود احساس تهدید کرده و معتقد بودند که بدون تغییر اساسی در سیاست‌های منطقه‌ای ایران، نمی‌توان زمینه‌ای برای گفت‌وگو یا بهبود در روابط فراهم کرد.

سیاست‌های شکست‌خورده منطقه‌ای آمریکا در قبال ایران در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ

فرایند منجر به امضای قرارداد برجام و پیامدهای منطقه‌ای آن، نگرانی کشورهای شورای همکاری در قبال شکل‌گیری ایران به‌عنوان یک هژمون منطقه‌ای را اثبات کرده بود. برای کاهش این نگرانی‌ها و در آستانه توافق‌نامه، دولت اوباما در اردوگاه دیوید با رهبران شورای همکاری دیدار کرد. این دیدار باعث شد که دولت اوباما تعهد خود را به مشارکت راهبردی آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس برای ایجاد روابط نزدیک‌تر در همه زمینه‌ها از جمله همکاری‌های دفاعی، امنیتی و توسعه رویکردهای جمعی در مورد مسائل منطقه‌ای اعلام کند (The White House Office of the Press Secretary, 14may 2015). ایالات متحده همچنین از این فرصت استفاده کرد تا مقدار زیادی سلاح به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بفروشد. این تبادل اسلحه سبب شد برخی ناظران بگویند که این ملاقات نه تنها ارتباطی با دیپلماسی جهانی نداشته است، بلکه عرضه سلاح در یک نمایشگاه بزرگ بود. همچنین سفر شخصی بن سلمان به واشنگتن در سپتامبر ۲۰۱۵ تأییدی بر نگرانی سعودی‌ها از افزایش نفوذ ایران در منطقه بود. بنابراین ایالات متحده و عربستان سعودی لزوم ادامه تلاش برای



حفظ امنیت، رفاه و ثبات در منطقه و به‌ویژه برای مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران را تأیید کردند (The White House Office of the Press Secretary, 4 September 2015). افزایش همکاری‌های امنیتی بین ایالات متحده و شورای همکاری خلیج فارس به‌نوبه خود برای حفظ موازنه قوا در خلیج فارس سبب گسترش برنامه‌های موشکی و منطقه‌ای ایران شد و به دور جدیدی در «مارپیچ خصومت» بین آن‌ها دامن زد. حتی پس از برجام هم فعالیت‌های آزمایشی برنامه موشک‌های بالستیک ایران افزایش چشمگیری یافته است. از دیدگاه آمریکایی‌ها و سعودی‌ها تصمیم قدرت‌های بزرگ مداخله‌گر در توافق‌نامه برجام برای محدودکردن توانایی تولید کلاهک هسته‌ای و نبود کنترل بر کشورهای تحویل‌دهنده چنین سلاح‌هایی به ایران، یکی از انتقادهای اساسی علیه این توافق است (Fitzpatrick, 2017: 89). با این حال، یک هفته پس از امضای این توافق‌نامه، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۲۲۳۱ را تصویب کرد تا این کمبود را جبران کند: «از ایران خواسته می‌شود که هیچ فعالیتی در رابطه با موشک‌های بالستیک که به‌منظور تهیه تسلیحات هسته‌ای از جمله پرتاب با استفاده از فناوری موشکی بالستیک طراحی شده‌اند، آغاز نکند» (UN SCR2231, 2015: 99). اما ایران معتقد است که توسعه موشک‌هایش دفاعی است و این موضوع «غیرقابل مذاکره» است. در اکتبر ۲۰۱۵، دولت او‌باما پس از انجام آزمایش موشکی ایران، تلاش کرد تحریم‌ها را دوباره اعمال کند، زیرا او‌باما امیدوار بود که توافق هسته‌ای، ایران را با جامعه بین‌الملل متحد کند و سرانجام تهران را از سیاست گسترش منطقه‌ای و رویارویی با ایالات متحده منصرف کند و نیروهای شیعه و سنی در خاورمیانه را متعادل کند.

دونالد ترامپ پس از رسیدن به ریاست جمهوری، سیاست تعامل او‌باما با ایران را کاملاً معکوس کرده است. این سیاست ارتباطی ناگسستنی دارد با دیدگاه سنتی آمریکا در مورد ایران به‌عنوان «دولت سرکش» و حامی دولت تروریسم. همچنین از نظر ادراکی ترامپ می‌خواهد نشان دهد که نسبت به پیشینیان خود در برخورد با ایران توانایی بیشتری دارد. او‌باما با توافق هسته‌ای تلاش کرد قدرت رو به رشد ایران را خنثی کند. در حالی که دولت ترامپ ضمن خارج‌شدن از برجام دوباره خواستار توافقی جدید با اعتمادسازی متقابل با سران جمهوری اسلامی ایران است. ترامپ با این کار روابط با متحدان سنتی مانند عربستان سعودی و اسرائیل را بهبود بخشیده است. به‌طوری که نخستین سفر خارجی ترامپ به عربستان و اسرائیل با هدف صریح مهار ایران بود. او در این سفر ۱۱۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان سعودی فروخت، از تانک‌ها و کشتی‌های جنگی گرفته تا سیستم‌های دفاع موشکی و فناوری امنیت سایبری (New York Post, 20 May 2017). همچنین از سپتامبر ۲۰۱۷، دولت ترامپ ضمن متهم کردن کنگره معتقد بود که همه اعضای کنگره مطابق با توافق‌نامه برجام در حال کمک به افزایش نفوذ ایران در منطقه هستند. از این رو خواستار مذاکره مجدد با ایران شد. در اکتبر ۲۰۱۷، دولت ترامپ راهبرد جدیدی را برای ایران منتشر کرد. در این راهبرد ایران را



به توسعه و تکثیر موشک‌های بالستیک، پشتیبانی از تروریسم و افراط‌گرایی، حمایت از بشار اسد و خصومت با اسرائیل متهم کرد (The White House, 2018). در ۸ مه ۲۰۱۸، سرانجام ترامپ اعلام کرد که ایالات متحده به شکل رسمی از برجام خارج خواهد شد و «سخت‌ترین مجازات تاریخ» علیه ایران را ظرف شش ماه احیا می‌کند. به نظر می‌رسد نگرانی‌های ترامپ درباره ایران دیگر مربوط به مسئله هسته‌ای نبود، بلکه درباره برنامه موشکی ایران، گسترش منطقه‌ای و سیاست سرسخت ضدآمریکایی مردم ایران بود. همچنین در ۴ اکتبر ۲۰۱۸، دولت ترامپ راهبرد جدید ملی ضدتروریسم آمریکا با تأکید بر «آمریکا اول» را منتشر کرد که تهدید ایران برای امنیت ملی ایالات متحده به طور قابل توجهی افزایش یافته بود (The White House, 2018). پس از سال ۲۰۱۹ هم تحریم‌های آمریکا علیه ایران با هدف فشار حداکثری برای تغییر رفتار و حتی تغییر نظام جمهوری اسلامی در حال پیگیری است.

منتقدان معتقدند که این سیاست با مقاومت حداکثری در برابر فشار ترامپ به شکست نزدیک شده است، زیرا در حقیقت، آزمایش موشکی ایران پس از به قدرت رسیدن ترامپ شدت گرفته است. همچنین این آزمایش‌ها روابط تنش‌زا با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را تشدید کرده و سبب ایجاد مسابقه تسلیحاتی در منطقه شده است. دولت‌های شورای همکاری همانند عربستان سعودی، امارات، قطر و کویت همچنان متعهد به خرید و استفاده از سامانه موشکی پدافند هوایی پاتریوت و ترمینال هستند که این خریدها باعث تحریک بیشتر فعالیت‌های موشکی ایران شده است (Stein, 24 January 2019). موضوع بحث برانگیز این است که موشک‌های ایرانی در درجه اول به پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس و اسرائیل و نه به صورت مستقیم به خود کشورهای شورا نشانه گرفته شده است، اگرچه حمله سپتامبر به تأسیسات نفتی عربستان سعودی مسیر منازعات در منطقه را به سمت دیگری سوق داده و منجر به ادعاهای جدی درباره اهداف منطقه‌ای ایران شده است. مقامات آمریکا و عربستان سعودی به طور مستقیم انگشت اتهام خود را به سوی ایران نشان رفته‌اند.

تصمیم‌گیران ایران برای کاهش سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران راه‌حل‌های قانونی مختلفی را امتحان می‌کنند نه حمله به تأسیسات نفتی و برقی کشورهای دیگر. با وجود این، از آنجا که دولت ترامپ آشکارا می‌خواهد صادرات نفت ایران را به صفر برساند، تصمیم‌گیران کشورمان به صراحت اعلام کردند که اگر ایران نتواند نفتی صادر کند پس دیگران هم نمی‌توانند این کار را در منطقه انجام دهند (BneIntelliNews, 30 July 2019). این جمله این گونه تفسیر می‌شود که ایران به راحتی مانع آزادی پیمایش در تنگه هرمز خواهد شد که حدود ۲۰ درصد از محموله‌های نفتی جهان از آنجا عبور می‌کند. بنابراین برای مهار ایران، ایالات متحده می‌کوشد «اتحاد راهبردی خاورمیانه» را میان ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و مصر - اردن ایجاد کند.



این اتحاد هنوز شکل نگرفته است، زیرا کشورهای عربی بر سر سیاست‌های خود در قبال ایران هم‌عقیده نیستند. اما دولت ترامپ ضربه‌ای سنگین به خواسته ایران برای بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس، هم دولت‌هایی که روابط خصمانه‌ای با ایران داشتند و هم دولت‌هایی که روابط معتدلی با ایران برقرار کرده بودند، وارد کرد.

نتیجه

درک تنش‌های واقعی میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی در امتداد خطوط شیعه و سنی در مجتمع امنیت منطقه‌ای خلیج فارس بیش از همه در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی خود شکل گرفته است. همچنین این اختلافات از تلاش‌های ایران برای بهبود روابط با دولت‌های شورا در سال‌های اخیر چشم‌پوشی می‌کند. از زمان به قدرت رسیدن روحانی، وی بارها ابتکارهای صلح را برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان مطرح کرده است. با وجود تماس‌ها و همکاری‌های دو طرف در مورد برخی موضوعات، همه کشورهای حوزه خلیج جواب مثبت نداده‌اند.

این سیاست عمل‌گرایانه نه تنها چندان موفق نبوده است، بلکه روابط ایران و عربستان سعودی بسیار سردتر از گذشته شده است. پس از توافق نامه هسته‌ای برجام، روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس حتی بدتر شد. گسترش منطقه‌ای ایران و محاصره قطر ضمن تغییر ساختار قدرت در منطقه خلیج فارس، باعث ایجاد تنش و ناامنی بیشتر در منطقه و افزایش دامنه تقابل میان ایران و عربستان سعودی به‌ویژه پس از خروج یک‌جانبه ترامپ از برجام و معرفی سیاست فشار حداکثری وی علیه ایران شد. اگرچه چند کشور کوچک‌تر خلیج فارس رویکرد متعادل‌تری نسبت به روابط خود با ایران در پیش گرفته‌اند، سیاست اصلی شورا را عربستان سعودی با پیکربندی جدیدی از سیاست خاورمیانه که شاهد همگرایی نادر سه‌جانبه علیه منافع ایران عربستان، اسرائیل و ایالات متحده در زمان ترامپ تنظیم کرده است.



Refrence

1. Akbarian, Reza and Shokri, Mohsen (2016), “Persian Gulf Cooperation Council; From cooperation management to deepening economic convergence”. Quarterly Journal of Political and International Research, Vol. 9, No. 30, Spring.
2. Al Arabia (14 July 2015), “Saudi prince: Iran deal worse than the one with N. Korea”, available at: <http://english.alarabiya.net/en/News/middle-east/2015/07/16/Saudi-Prince-Bandar-Iran-dealworse-than-North-Korean-deal-.html><http://english.alarabiya.net/en/News/middle-east/2015/07/16/Saudi-Prince-Bandar-Iran-deal-worse-than-North-Korean-deal-.html>.
3. Al Jazeera (27 September 2019), “‘Saudi oil attack: All the latest updates’, available at: <https://www.aljazeera.com/news/2019/09/saudi-oil-attacks-latest-updates%20%E2%80%8E%E2%80%8E190916102800973.html%E2%80%8E>.
4. Al Jazeera (3 December 2013), “Zarif asks Saudi Arabia to work with Iran”, available at: <https://www.aljazeera.com/news/middleeast/2013/12/zarif-asks-saudi-arabia-work-with-iran-2013122154323461970.html>.
5. Al salloumand, Khaled Abdulaziz and. Tayie, Mohamed Salman ,(2018), “‘The present and future of Kuwaiti-Iranian relations and their influence on the security of the Arabian gulf’”, Asian Social Science, Vol. 14, No. 1.
6. Altorafi, Adel (2012), “ Underestanding the role of state identity in foreign policy decision making The Rise and Demise of Saudi–Iranian Rapprochement (1997–2009)”,. A thesis submitted to the Department of International Relations of the London School of Economics and Political Science for the degree of Doctor of Philosophy London, October 2012.
7. Bne Intelli News (30 July 2019), “Struggle in the Strait: Iran, UAE reopen talks after six years as business hub feels the heat”, available at: <https://www.intellinews.com/struggle-in-the-strait-iran-uae-reopentalks->



after-six-years-asbusiness-hub-feels-the-heat-165187/?source=iran.

8. Buzan, Barry. and Wæver, Ole (2003), “Regions and Powers: The Structure of International Security Cambridge”, Cambridge University Press, doi: 10.1017/CBO9780511491252.

9. Cordesman, Anthony (2003), Saudi Arabian Enters the Twenty-first Century: The Political, Foreign Policy, Economic and Energy Dimensions, Westport: Praeger.

10. Rouhi Dehbaneh, Majid and Moradi Kelardeh, Sajjad (2015), “The Role of Increasing Regional Power in Iran in the Policy of the Persian Gulf Cooperation Council: 2005-2015”. International Relations Research Quarterly, Vol. 1, No. 18. [in Persian].

11. Fitzpatrick, Anthony (2017), “Uncertain future: the JCPOA and Iran’s nuclear and missile programmes”, Adelphi Series, Vol. 57, No. 466–467, p. 89.

12. Zarif, Mohammad Javad (2014), “What Iran really wants: Iranian foreign policy in the Rouhani era”, Foreign Affairs.

13. IMF (2018), “Direction of trade statistics”, available at:

14. <http://data.imf.org/?sk=9D6028D4-F14A-464CA2F2-59B2CD424B85&sId=1514498277103>.

15. Juneau, T (2016), ‘Iran’s policy towards the Houthis in Yemen: a limited return on a modest investment’, International Affairs 92(3).

16. Juneau, Thomas (2018), “Iran’s costly intervention in Syria: a pyrrhic victory”, Mediterranean Politics, Vol. 25, No. 1, p. 6, available at: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13629395.2018.1479362>.

17. Kamrava, Mehran (2017) “Iran-Qatar relations”, in Bahgat, Gawdat et al., “Security and Bilateral Issues between Iran and Its Arab Neighbors”, edited, Macmillan: Palgrave.

18. Kaya, Sezgin and Sartepe, Zeynep (2015), “Contentious politics in Iran: factions, foreign policy and the nuclear deal”, Alternative Turkish Journal of International Relations, Vol. 14, No. 3.



19. Kendall, Elisabeth (2017), "Iran's fingerprints in Yemen: real or imagined?", Atlantic Council, Issue Brief, available at: <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/iran-s-fingerprints-in-yemen-real-or-imagined>.
20. Koushki, Mohammad Sadegh and Hosseini, Seyed Mahmoud (2015), "An analysis of the foreign policy of the regions of the Islamic Republic of Iran. Iran and the conflicting approaches of the GCC towards it; Different roots and consequences" Islamic Revolution Research Quarterly, Vol. 4, No. 13 [in Persian].
21. Molavi, Ali (2010), "Iran and the Gulf states", in Wright, Robin., "The Iran Primer", edited, Washington: USIP.
22. New York Post (20 May 2017), "Trump signs off on \$110B arms deal in Saudi Arabia", available at: <https://nypost.com/2017/05/20/trump-signs-off-on-110b-arms-deal-in-saudi-arabia/>.
23. New York Times (9 April 2015), "Kerry says US knew of Iran's military aid to Houthi rebels, available at: <https://www.nytimes.com/2015/04/10/world/middleeast/kerry-us-iran-military-aid-houthi-yemen.html>.
24. Parsi, Rouzbeh and Rydqvist, John, (2011), "Iran and the West: regional interests and global controversies", FOI report, the Asian Security Studies Program, p. 54, available at: <https://www.foi.se/report-summary?reportNo=FOI-R-3168-SE>.
25. Reuters (25 August 2013), "Oman's Qaboos on Tehran visit, US-Iran mediation in focus", available at: <https://www.reuters.com/article/us-iran-oman-idUSBRE97O06820130825>.
26. Reuters (25 January 2017), "Kuwait to deliver message to Iran on dialogue with Gulf Arab states", available at: <https://www.reuters.com/article/us-iran-kuwait/kuwait-to-deliver-message-to-iran-ondialogue-with-gulf-arab-states-idUSKBN1582GF>.
27. Sazmand, Bahareh and Jokar, Mehdi (2016), "Regional Security Collection, Dynamics and Patterns of Relations between the Persian Gulf



Countries”, *Geopolitical Quarterly*, Vol. 12, No. 2.[in Persian].

28. SIPRI (15 November 2018), “Dissecting international concerns about Iran’s missiles”, available at: <https://www.sipri.org/commentary/topical-backgrounder/2018/dissecting-international-concerns-about-irans-missiles>.

29. Stein, Alfred (2019), “Middle East missile race: the missile defense review, Iran, and the implications for the Gulf”, Foreign Policy Research Institute, available at: <https://www.fpri.org/article/2019/01/middle-east-missilerace-the-missile-defense-review-iran-and-the-implications-for-the-gulf>.

30. The New York Times (20 April 2015), “Mohammad Javad Zarif: a message from Iran”, Available at: <https://www.nytimes.com/2015/04/20/opinion/mohammad-javad-zarif-a-message-from-iran.html>

31. The Washington Post (3 August 2015), “On Kerry visit, Arab nations express support for Iran nuclear agreement”, available at: https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/on-kerry-visit-arab-nations-express-support-for-iran-nuclear-agreement/2015/08/03/36bbebea-36d3-11e5-ab7b-6416d97c73c2_story.html?utm_term=.7151227c4b69.

32. The White House Office of the Press Secretary (14 May 2015), “US-Gulf Cooperation Council Camp David joint statement”, available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-pressoffice/2015/05/14/us-gulf-cooperation-councilcamp-david-joint-statement>.

33. The White House (2015), “National strategy for counterterrorism of the United States of America”, available at: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2018/10/NSCT.pdf>.

34. The White House (2018), “President Donald J. Trump’s new strategy on Iran”, available at: <https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/president-donald-j-trumps-new-strategy-iran/>.

35. UNSCR2231 (2015), p. 99, available at: <https://www.undocs.org/S/RES/2231>.



36. VOA News (26 August 2014), “Iranian Minister: Saudi talks constructive”, available at: <https://www.voanews.com/world-news/middle-east-dont-use/iranian-minister-saudi-talksconstructiv>.

37. Wehrey, Frederic, Karasik, Theodore, Nader, Alireza, Ghez, Jeremy, Hansell, Lydia and Guffey Robert (2009), “Saudi-Iranian relations since the fall of Saddam: rivalry, cooperation, and implications for US policy”, Available at: <https://www.rand.org/pubs/monographs/MG840.html>.